

پلیس شهر کرد و آبادان فاش کردند

دزدی‌های سریالی دختر و پسر همیشه مسافر



گروه حوادث: دختر و پسری که شهر به شهر می‌چرخیدند تا دسیسه‌های شوم خود را اجرایی کنند تصور نمی‌کردند در خانه مخفی‌شان محاصره شوند. سیمین و حمید با اینکه زن و شوهر نبودند، اما همیشه باهم زندگی می‌کردند و هم‌خانه بودند. **سرقت‌های مشابه** چندی پیش گزارش‌های مشابهی به دست مأموران پلیس شهر کرد رسید که نشان می‌داد دختر و پسر مرموزی با پرسه زدن در موبایل فروشی‌های شهر دست به سرقت‌های میلیونی زده‌اند. **تحقیقات پلیسی** با دستور باز پرس پرونده بلافاصله تیمی از مأموران پلیس آگاهی شهر کرد وارد عمل شدند تا پرده از این سرقت‌ها بردارند. یکی از موبایل فروش‌ها درباره جزئیات سرقت از مغازه‌اش گفت: روز سرقت زوج خوش‌برخوردی برای خریدن موبایل وارد مغازه‌ام شدند آنها خیلی صمیمی‌بامن حرف می‌زدند و با کلاس بودند گوشی‌های مختلفی را برای خرید به آنها رایه دادم و اصلا نمی‌دانستم این زن و مرد قصد سرقت دارند. فهمیدم چه کلاهی بر سرم رفته است. دوربین‌های مداربسته مغازه‌ام نشان می‌دهد که دزدان از پرت کردن حواس من سوءاستفاده کرده و دست به سرقت زده‌اند. **بازبینی دوربین‌ها** کار آگاهان که می‌دیدند محل‌های سرقت همگی مجهز به دوربین‌های مداربسته هستند به بازبینی همه فیلم‌ها پرداخته و دیدند زن و مرد در همه سرقت‌هایشان یک شگرد دارند و بسیار خونسرد ابتدا حواس فروشنده را پرت کرده و سپس موبایل‌های نو را به سرقت می‌برند و باز با خونسردی آنجا را ترک می‌کنند. **مسافران تبهکار** با توجه به شگرد خاص این دختر و پسر مأموران به بررسی پرونده‌های قدیمی که مشابهت به دزدی‌های زن و مرد مرموز داشتند پرداختند و دریافتند دزدان سریالی موبایل

فرار به خوزستان تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه مأموران پی بردند که دختر و پسر جوان با اطلاع از تحت تعقیب بودن توسط مأموران شهر کرد به استان خوزستان فرار کرده‌اند. بدین ترتیب دستور باز پرس پرونده برای عملیات پلیسی مشترک بین مأموران پلیس آگاهی آبادان و شهر کرد صادر شد و تیمی از مأموران اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی آبادان برای دستگیری دختر و پسر تبهکار وارد عمل شدند. **ردیابی مخفیگاه** کار آگاهان آبادانی که سرخ‌هایی از سیمین و حمید داشتند و می‌دانستند آنها در حال دسیسه چینی برای اجرای توطئه‌های سرقت خود هستند در ادامه تحقیقات با تجسس‌های فنی و پلیسی خیلی زود مخفیگاه دختر و پسر جوان را در آبادان شناسایی کردند و رفت و آمدهایشان را تحت نظر قرار دادند. **عملیات غافلگیرانه** همین سرخ‌ها کافی بودند تا روز یکشنبه ۱۱ آذر ماه سال جاری مأموران در عملیاتی غافلگیرانه دختر و پسر جوان را در مخفیگاه‌شان محاصره کنند و آنها را که اصلا تصور نمی‌کردند شناسایی شده‌اند دستگیر کنند. سیمین و حمید در لحظه دستگیری باز جوسازی اصرار به بی گناهی کردند تا اینکه کار آگاهان به بازرسی از مخفیگاه آنان دست زدند و در گوشه‌ای از خانه موبایل‌های سرقتی زیادی به همراه مقداری دلار و طلا به دست آوردند. **اعتراف** حمید و سیمین خیلی زود تحت بازجویی قرار گرفتند. آنها مرتب سعی داشتند ادعاهای گمراه‌کننده داشته باشند اما با دیدن فیلم‌های مداربسته که آنها را نشان می‌داد در حال سرقت هستند چاره‌ای جز اقرار ندیدند. سیمین در بازجویی‌ها گفت: من به حمید که از فامیل‌های دورمان است علاقه داشتیم همین حس عاطفی باعث شد به یکدیگر نزدیک شویم و چون مشکلات زیادی داشتیم خیلی ناگهانی تصمیم

گرفتم دزدی کنیم. وی افزود: سررو و ضعمان خوب بود با کلاس حرف می‌زدیم و روابط عمومی خوبی داشتیم همین باعث شده بود تا هر مغازه‌ای می‌رویم فروشنده‌ها ما اعتماد کنند. وی افزود: ما ابتدا با بگو بخند با فروشنده‌گان موبایل یا طلا و حتی دلار صمیمی می‌شدیم بعد با شلوغ کردن روی میز از حواس پرتی فروشنده‌گان استفاده می‌کردیم و دست به سرقت می‌زدیم. سیمین ادامه داد: ما می‌خواستیم سرمایه‌ای به دست آوریم تا بعد کار و کاسبی‌ای راه انداخته و زندگی راحتی داشته باشیم اما چون می‌دانستیم خیلی زود تحت تعقیب قرار می‌گیریم ابتدا از اصفهان به شهر کرد و سپس به آبادان آمدیم و اصلا تصور نمی‌کردیم در اینجا مخفیگاهمان شناسایی شود و وقتی پلیس را دیدیم شوکه شدیم. حمید نیز گفت: من و سیمین همزمان پیشنهاد یک کار پر درآمد دادیم خیلی فکر کردیم دیدیم سرقت بهترین کار است تا یک‌شبه پولدار شویم. وی ادامه داد: مدت‌ها پیش من و سیمین هم‌خانه‌ایم. همه فامیل هم می‌دانند خیلی‌ها هم اعتراض کردند اما من اعتنایی نمی‌کردم سیمین نیز که دوستم دارد از من حمایت کرد و باهم دست به کار شدیم. حمید با ابراز پشیمانی گفت: فقط در شهر کرد ۱۳۰ گوشی موبایل، طلا و دلار به سرقت بردیم و وقتی دیدیم پلیس شهر کرد هم مانند پلیس اصفهان در تعقیب‌مان است به آبادان سفر کردیم و قصد داشتیم هم‌زمان زندگی آرامی داشته باشیم تا بعد از آن دوباره دزدی کنیم.

فکر نمی‌کردم گیر بيفتم. **چرا؟!** چون شهر به شهر می‌چرخیدیم و در همه جا غریبه بودیم. **تو و حمید از دواج کردید؟!** خیر! **چطور هم‌خانه‌اید؟!** نمی‌دانم همدیگر را دوست داریم. **چرا از دواج نکردید؟!** سکوت **خانواده‌ها یتان چه می‌گویند؟!** گریه سیمین **تو چه نقشی داشتی؟!** حمید سر فروشنده‌گان را گرم می‌کرد و من موبایل‌ها را داخل کیفم می‌انداختم. **تو نبودی حمید دزدی می‌کرد؟!** خیر اصلا نمی‌شد چون فروشنده‌گان با دیدن من به حمید اعتماد می‌کردند. **عذاب وجدان نداشتی؟!** به عذاب وجدان فکر نمی‌کردم **چرا؟!** تصور می‌کردم مغازه‌دارها درآمد خوبی دارند و سود بالایی می‌برند ما از شخص نمی‌دزدیدیم که نگران او باشیم. **حسب آنها هم زحمت می‌کشند.** می‌دانم اما می‌تواند سریع مشکل مالی‌شان را حل کنند. **کسی به ملاقات آمده است؟!** نیامده‌اند و دوست ندارم ببینند. **چرا؟!** شرم‌سار **معتادی؟!** سکوت **یعنی مواد می‌کشی؟!** سکوت **به آرزوهایت رسیدی؟!** خیر نبود شدم الان باید در زندان بمانم من وحشت دارم. **پشیمانی؟!** نمی‌دانم. بنا به این گزارش، دختر و پسر تبهکار به دستور باز پرس پرونده در اختیار مأموران کلانتری پلیس آگاهی شهر کرد قرار گرفتند.

اخبار حوادث

قتل عام خانواده‌گی در کرمانشاه مردی در کرمانشاه با شلیک گلوله به زندگی خود، مادر و برادر ناتنی‌اش پایان داد. معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه اظهار داشت: این حادثه ساعت ۱۴ بعدازظهر سه شنبه و در شهرک الهیه به دنبال بالا رفتن اختلافات خانوادگی میان اعضای یک خانواده رخ داد. سرهنگ محمدرضا آمویی ادامه داد: در این حادثه جوانی ۲۴ ساله پس از جر و بحث با اعضای خانواده خصوصا مادر ۴۳ ساله و برادر ناتنی ۱۹ ساله‌اش، با اسلحه‌های که در اختیار داشته اقدام به شلیک به سمت آنها کرده و موجب مرگ هر دو نفرشان شد. او خاطر نشان کرد: فرد ضارب در ادامه رفتار جنون آمیزش، به سمت خود شلیک و به زندگی‌اش خاتمه داد. معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه در ادامه با ابراز تأسف از وقوع این حادثه تلخ، عموم شهروندان بخصوص جوانان را به خویش‌ترن داری دعوت کرد و گفت: راه حل اختلافات خانوادگی هر قدر که بزرگ هم باشد چنین رفتارهایی نیست. وی در پایان یادآوری کرد: مرکز مشاوره و روانشناسی پلیس کرمانشاه واقع در معاونت اجتماعی استان آماده است تا در طول هفته و در ساعات اداری خدمات مشاوره‌ای رایگان به عموم شهروندان جهت حل مشکلات آن‌ها ارائه کند.

سوزاندن دختر جوان توسط ۴ شرور در هند ۴ مرد خشن که دختر جوانی را دزدیده و آزار داده بودند، پس از شکایت این دختر او را در آتش زنده زنده سوزاندند. پلیس اعلام کرده است که دختر ۲۰ ساله دوروز قبل توسط ۴ شرور محله زندگی‌اش آتش زده شده بود. این دختر پس از رهایی از چنگال این شیطان صفت‌ها خودش راه پلیس رساند و از آنان شکایت کرد. مردان خشن که در پلیس محلی ارتباط داشتند پس از اینکه از شکایت این دختر مطلع شدند او را مجدداً دزدیده و زنده زنده به آتش کشیدند. جسد سوخته این دختر در منطقه سیتاپور ایالت اوتار پرادش پیدا شده است. متهمان از همسایگان و آشنایان زن قربانی هستند به همراه ۳ مأمور پلیس دستگیر شدند. این ۳ مأمور همچنین به دلیل کم‌کاری و ارتباط با مردان خشن از کارشان تعلیق شده‌اند.

دستگیری عوامل نزاع دسته جمعی در کرمانشاه پلیس شهرستان کرمانشاه از دستگیری عوامل نزاع دسته جمعی که در چهار راه بسیج این شهر اقدام به درگیری و اخلال در نظم عمومی کرده بودند، خبر داد. سرهنگ «حسین براری» اظهار داشت: به دنبال اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر یک فقره نزاع دسته جمعی در چهار راه بسیج بلافاصله مأموران کلانتری جهت بررسی موضوع به محل اعزام شدند. وی ادامه داد: پس از حضور مأموران مشاهده شد که ۱۳ نفر از شهروندان به علت اختلافات خانوادگی با یکدیگر درگیری پیدا کرده و تعدادی از آن‌ها مجروح شده‌اند. سرهنگ براری افزود: تمامی افرادی که در این نزاع دسته جمعی شرکت داشتند دستگیر و تحویل مراجع قضائی شدند.

این مرد بازار شیراز را به هم ریخته بود! فرمانده انتظامی استان فارس از شناسایی یک انبار لوازم یدکی خودرو و کشف ۱۵ هزار قطعه انواع لوازم یدکی به ارزش ۲۶ میلیارد و ۶۱۹ میلیون ریال در شهرستان شیراز خبر داد. سردار «احمدعلی گودرزی» بیان کرد: در راستای طرح مبارزه با احتکار و اخلال گران اقتصادی، روز سه شنبه مأموران پلیس آگاهی استان از وجود انبار احتکار لوازم یدکی خودرو مطلع و موضوع را به صورت ویژه در دستور کار خود قرار دادند. وی افزود: پس از هماهنگی قضائی، مأموران به محل مورد نظر اعزام و در بازرسی از آن انبار موفق به کشف ۱۵ هزار قطعه انواع لوازم یدکی خودرو که احتکار شده بود شدند. سردار گودرزی با بیان اینکه ارزش ریالی کالاها احتکار شده برابر نظر کارشناسان ۲۶ میلیارد و ۶۱۹ میلیون ریال برآورد شده است، عنوان داشت: در این خصوص یک نفر متهم دستگیر شد. فرمانده انتظامی استان تصریح کرد: به همین منظور و با هدف تنظیم بازار و بر خورد با محتکران، انبار مذکور پلمپ و پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی ارسال شد.



نمی‌کشید و به فکر پاک کردن آثار جرم بودم که به سرعت از خانه خارج شدم و به یک پمپ بنزین رفتم و گالنی را پر از بنزین کردم. وی افزود: وقتی به خانه باز گشتم مطمئن بودم که پدرم دیگر فوت کرده است، بدین ترتیب روی پدرم بنزین ریختم و در ادامه برای آتش سوزی داخل خانه، بنزین را روی وسایل خانه ریختم. قاتل پدر گفت: جلوی در خروجی طبقه دوم ایستادم و فندک را روشن کردم و آن را داخل خانه انداختم که ناگهان همه جای خانه را آتش فرا گرفت و با شعله‌ور شدن آتش به سرعت از خانه خارج شدم. پس از فرار در نزدیکی خانه شاهد عملیات آتش نشانان برای خاموش کردن آتش خانه بودم و پس از آن با حضور مأموران ویژه پلیس پی بردم که مأموران جسد پدرم را پیدا

خبر

کشتن سوزاندن پدر در سایه مصرف شیشه

گروه حوادث: پسر جوان که اعتیاد به مواد مخدر شیشه دارد در اقدامی هولناک پدرش را با ضربات چکش در خانه ویلایی به قتل رساند. این جوان برای پنهان ماندن جنایت خانوادگی اقدام به آتش افروزی خانه‌شان کرد و جسد پدرش را سوزاند. عقر به ساعت ۲ بامداد دوشنبه ۱۲ آذر ماه سال جاری را نشان می‌داد که حادثه آتش سوزی در طبقه دوم یک خانه ویلایی به مأموران آتش نشانی و کلانتری ۱۲۳ نیابوران مخابره شد. بدین ترتیب تیمی از مأموران کلانتری و سازمان آتش نشانی برای بررسی محل و مهار آتش سوزی در محل حادثه حاضر شدند. **جسد سوخته در خانه** آتش نشانان خیلی زود موفق به خاموش کردن آتش داخل خانه شدند و پس از عملیات در بررسی داخل خانه با جسد سوخته شده مردی روی میبل روبرو شدند و همین کافی بود تا تیمی از مأموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس ویژه قتل در صحنه جرم حاضر شوند. تیم جنایی پس از بررسی‌های ابتدایی در صحنه جرم با دستور باز پرس محسن مدیرروستا جسد را به پزشکی قانونی منتقل کردند تا علت مرگ مرد ۶۰ ساله مشخص شود. **کارشناسان پزشکی قانونی** پس از بررسی جسد سوخته شده اعلام کردند که مرد ۶۰ ساله قبل از آتش سوزی با ضربات جسم سخت به پشت گردنش که باعث شکستگی سر مقتول شده بود به کام مرگ فرو رفته است. **تحقیقات پلیسی** کار آگاهان در این شاخه از تحقیقات پی بردند که همسر مقتول به مسافرت خارج از کشور رفته و مرد ۶۰ ساله همراه فرزندش وحید ۱۹ ساله در خانه زندگی می‌کردند که در ادامه مشخص شد وحید در زمان آتش سوزی در خانه نبوده و پس از آتش سوزی نیز به خانه باز نگشته و به پلیس مراجعه نکرده است. در ادامه تجسس‌ها مشخص شد که وحید با پدرش از چندی قبل اختلاف داشته و بارها با یکدیگر درگیر شده‌اند. کار آگاهان در ادامه کاوش‌های پلیسی فرضیه یک جنایت خانوادگی را پیش روی خود قرار دادند و تحقیقات برای دستگیری پسر خانواده کلید زده شد. مأموران در این شاخه از تحقیقات پی بردند که وحید در زمان آتش سوزی چندین بار در نزدیکی خانه‌شان دیده شده و اما با اطلاع از آتش سوزی خانه‌شان، پای در صحنه آتش سوزی نگذاشته است.